

کار آگاه

قاتل در مراسم تدفین مقتول شرکت کرده بود

ردپای مریی بدنسازی در جنایت ویلای شماره ۲

شهروند را از قتل پیرزن ثروتمند در سینه مردی بود که در مراسم تدفین او شرکت کرد. وقتی خانه ویلایی پیرزن ۷۴ساله آتش گرفت و او را به کام مرگ فرو برد، هیچ کس تصور نمی کرد این آتش سوزی عمدی، نقشه از پیش طراحی شده یک آشنا باشد.

سه‌ساعت ۴ بعدازظهر روز هشتم بهمن ماه سال گذشته، از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، وقوع یک آتش‌سوزی در خیابان کارگر شمالی به کلاشتری ۱۴۸ انقلاب اعلام شد. با اعلام این خبر، بلافاصله اکیپی از مأموران به همراه تیم آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌های اولیه توسط تیم کارشناسی آتش‌نشانی نشان می‌داد که طبقه دوم این خانه ویلایی دچار حریق عمدی شده‌وزنی ۷۳ساله نیز درحالی که روی میبل خانه‌اش نشسته به کام مرگ فرورفته‌است.

پس از تشکیل پرونده‌مقدماتی باموضوع «فوت مشکوک» و به دستور قاضی احمدیگی، باز پرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

با حضور کارآگاهان، بررسی صحنه جرم و با توجه به نظریه کارشناسی آتش‌نشانی مبنی بر عمدی بودن آتش‌سوزی، کارآگاهان با انجام بررسی محل وقوع حادثه اطمینان پیدا کردند که فرد یا افرادی که اقدام به ایجاد حریق کرده‌اند، بدون ایجاد هرگونه تخریب وارد خانه شده‌اند. همزمان با آغاز تحقیقات، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که پول‌های داخل گاو صندوق به همراه طلا و جواهرات پیرزن هم به سرقت رفته‌است. همین موضوع کافی بود تا فرضیه «وقوع جنایت بالنگیزه‌سرت» پیش‌روی کارآگاهان قرار گیرد. با مطرح شدن این فرضیه، کارآگاهان به تحقیق از اهالی محل پرداختند. تا این‌که چند زن و مرد ادعا کردند در روز حادثه آتش‌سوزی مردی جوان را در نزدیکی محل حادثه دیده‌اند.

در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند، تعدادی از مجتمع‌های مسکونی محل وقوع حادثه مجهز به دوربین مداربسته هستند.

بلافاصله تصاویر دوربین‌ها مورد بازبینی قرار گرفت و بنا بر اظهارات همسایگان و اهالی محل، تصویر مرد مرزوموزشناسایی شد.

با به دست آمدن تصویر مرد ناشناس و نتایج به دست آمده مبنی بر ورود به محل وقوع حادثه بدون ایجاد هرگونه تخریب،فرضیه آشنا بودن این مرد،قوت گرفت.وقتی کارآگاهان تصویر دوربین مداربسته را در اختیار تصویر انصاعی خانواده پیرزن قرار دادند،از جنایتی هولناک بر ملا شد.



۲۵ فروردین ماه ماه بود که سعید ۳۶ساله توسط کارآگاهان دستگیر شد. سعید که پس از انتقال به اداره دهم آگاهی و روپهر و شدن با دلایل و مدارک ارایه شده از سوی کارآگاهان، چارهای جزااتراف نداشت، پسرده از از قتل پیرزن برداشت.

متهم که صبح روز چهارشنبه برای بازبرسی به دادسرای جنایی تهران منتقل شده بود، در اعتراضش به بازپرس پرورنده گفت: «من مریی بدنسازی هستم و یک‌دختر ۹ساله دارم.به دلیل مشکلات مالی و چگی که دست یکی از طلبکاران داشتم، تصمیم گرفتم تااز خاله همسر در خواست کمک مالی کنم، چراکه چک متعلق به حساب همسرم بود و طلبکار قصد داشت تادستور جلب او را بگیرد.سه‌ساعت ۹ صبح روز حادثه از منزل خارج شده و به سمت خانه خاله همسر رفتم.اما ایشان برآی ورزش صبحگاهی سه پارک رفته بود و به همین علت ساعتی در کوچه منتظر ماندم تا او به منزل بازگشت.به همراه او وارد خانه شده‌و در همان راه پله موضوع چک را مطرح کردم. همین حرف من کافی بود تا پیرزن شروع به سرزنش من کند. درحالی‌کهمنتظر چنین برخوردی نبودم،مشاجرهِ لفظی بین ما در گرفت. در یک لحظه اختیارم را از دست‌دادم و با او گالوزی شدم. چند ثانیه بیشتر طول نکشید که متوجه شدم پیرزن بیهوش شد. ترسیده بودم، او را داخل واحد طبقه دوم منتقل و پس از برداشتن مقداری طلا و جواهرات و همچنین ۶۰۰ تومان پول داخل گاو صندوق، پرده و تعدادی از لوازم چوبی داخل خانه را به آتش کشیده و به سرعت از محل خارج شدم. بعدازظهر همان روز و از طریق بستگان، خبر آتش‌سوزی خانه‌خالم‌ش به همسرم اطلاع داده شد.روز ششیع جنازه و دیگر مراسم یادبود پیرزن حضور داشتم.اما هیچ‌کدام، از عذاب وجدانم کم نکرد، تا این‌که سرانجام دستگیر شدم.»به دستور بازپرس احمدیگی تحقیقات در رابطه با این جنایت ادامه‌دار.

سیما فراهانی | وقتی صدای فریادشان بر

سیاهی ثانیه‌ها خط انداخت؛ دیگری می‌دانستند قربانی شده‌اند؛ قربانی تجاوز جنسی، زن بودن و مرد بودنشان چندان فرقی نداشت. هر چه بود دردی بود مشترک.

باید با روحی خسته نقش خودشان را به نمایش می‌گذاشتند. خاطره‌ای که باید از یاد می‌پرند اما سکانس‌های سیاه، فراموش نشدنی است. خاطرات پنهان‌مانده در پستوی ذهنشان، به سطح هوشیاری باز می‌گردد. سکانس به سکانس. سخت است سال‌ها قربانی تجاوز جنسی شدن را یادک بکنشی و فریاد زنی. این است جدال نابرابر همه قربانیان تجاوز جنسی.

قتل، اسیدپاشی، زورگیری و کلابرداری آسیب‌هایی به قربانیان آن جرم وارد می‌کند. تجاوز هم جزو جرائمی است که آسیب‌های روحی آن کمتر از قتل و جنایت نیست و حتی ممکن است بیشتر از آن هم باشد. به ازای هر یکصد هزار نفر یک نفر در معرض جرائم جنسی قرار می‌گیرد. این را معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی کشور می‌گوید. این آمار نشان می‌دهد که میزان جرائم جنسی در کشور رو به کاهش نیست و باید راهکار اساسی برای حل این معضل اجتماعی پیدا کرد.

دلایل تجاوز از نظر جرم‌شناسی متفاوت است؛ بیشتر تجاوزها طبق آمارهای بین‌المللی به دلیل مستی فرد متجاوز انجام می‌شود، اما دلایل متعدد دیگری نیز برای این کار وجود دارد؛ انحراف جنسی فرد متجاوز، خصومت در یافت حق‌السکوت، تهدید، تضاد یافت‌های طبقاتی و اجتماعی جامعه، بیماری روانی فرد متجاوز و جنک.

بعضی از خسارت‌ها و آسیب‌ها مالی و جبران‌پذیر است و در برخی دیگر مانند قتل، جبران خسارت غیر ممکن. بعضی از جرم‌ها مانند جرائم جنسی و تجاوز لطمه‌های حیثیتی و روحی شدید وارد می‌کنند که رفع آنها نیز به اقدامات درمانی مناسب و زمان نسبتاً طولانی دارد. همچنین گاهی آثار لطمه‌های وارده در صورت درمان نشدن به شکل‌ها و ناهنجاری‌های دیگر بروز می‌کند. تجاوز و جرائم جنسی که به عنف واقع شوند در حوزه معاونت مبارزه با جرائم جنایی تحت رسیدگی قرار می‌گیرند.

مصادیق جرائم جنسی متعدد است ولی به صورت کلی در مواردی که به عنف صورت گرفته و هویت مرتکب نامشخص باشد یا فرد شناسایی شده، ولی متواری باشد مأموریت شناسایی و دستگیری به پلیس آگاهی ارجاع می‌شود. معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا در صحبت‌هایش می‌گوید: «این که به ازای هر یکصد هزار نفر، یک نفر مورد آزار قرار بگیرد، این آمار در مقایسه با اغلب کشورها که نرخ‌های دو رقمی دارند رقم پایدنی به حساب می‌آید. از سوی دیگر با توجه به تدابیر فرماندهی ناجا مبنی بر کشف ۱۰۰ درصدی، از همه امکانات و توان استفاده می‌شود که هیچ پرونده جرم جنسی کشف نشده باقی نماند و درصد کشفیات فعلی حدود ۹۵درصد است.»

به گفته وی، معمولاً خانواده‌ها در مورد فرزندان دختر مراقبت بیشتری دارند درحالی‌که بهتر است دایره این مراقبت را به کودکان و نوجوانان پس‌ر نیز تعمیم دهند. نکته دیگر این‌که احتمال سوء‌استفاده جنسی از کودک فقط توسط افراد ناشناس و غریبه نیست و در مورد افرادی که به نوعی با آنها ارتباط دارند مانند راننده سروسپس، مریی و… بررسی صلاحیت و مراقبت لازم است. در بعضی از پرونده‌ها طبق اعتراضات، مجرامن نقش موثر و اصلی را پوشش قربانی دانسته‌اند. دو مطلب در نوع پوشش قابل طرح است، یکی بحث جلب توجه و تحریک و

دیگری میزان تطابق با عرف جامعه که ممکن است یک پوشش نامناسب در ذهن مخاطب و بیننده شخصیت فرد را غیرواقعی جلوه دهد. معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا درباره این‌که اگر کسی اغفال و قربانی سوءاستفاده جنسی شده به چه شکل باید اقدام کند نیز ادامه می‌دهد: رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری است ولی چنانچه شخصی به دادسرا یا مرجع انتظامی و پلیس آگاهی مراجعه و اعلام شکایت کند حتما راهتمایی و هماهنگی لازم برای پیگیری قانونی موضوع صورت خواهد گرفت.

افرادی که مورد جرم جنسی قرار می‌گیرند از ترس متهم شدن یا برای حفظ آبرو یا به علت ترس از تهدیدهای مجرم مانند انتشار عکس و غیره یا سایر تهدیدها شکایت نمی‌کنند و همین مسأله موجب جزی شدن مجرم و تکرار جرم می‌شود. در مورد کودکان و نوجوانان نیز این مسأله مصداق دارد و آنها ممکن است از ترس پیامدهای بعدی مسأله را نگویند. در این موارد یه والدین این است که با دقت نظر چنانچه متوجه تغییر رفتار یا حالات خاص شدند علت را بررسی کنند.

شوک بزرگ بعد از تجاوز

۹دی‌ماه سال ۹۲ بود که خبر دستگیری مرد جوانی منتشر شد که با جعل عنوان مأمور پست و مأمور اداره آب، برق و گاز اقدام به ورود به منازل شخصی و تجاوز به زنان جوان می‌کرد. او که در یکی از روستاهای شهرستان سومعه‌سرا از سوی مأموران اداره ۱۶ آگاهی تهران دستگیر شده بود، سرانجام پس از ۹ ماه در شبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. زن جوانی که یکی از قربانیان این مرد شیطان صفت بود در مورد روز حادثه و اتفاقات آن می‌گوید:سه‌ساعت ۵ بعد از ظهر بود که زنگ در صدا درآمد. در را همسایه طبقه پایین که پیرزنی مریض احوال است باز کرده بود و این مرد پس از ورود به داخل آپارتمان به سراغ واحد ما آمد.وقتی جلوی در رفتم مرد قوی‌هیکل و چهارشانه‌ای را پشت در دیدم که خود را مأمور اداره برق معرفی کرد. از این مرد خواستم یا به مدیر ساختمان مراجعه کند یا منتظر ماندن تا همسرم به خانه بیاید. او تا فهمید من در خانه تنها هستم در را هل داد و با یک جاقوی موکت‌بری که کنار گردن من گذاشته بود دست کم دویاری شما مخفی شده بردارم و بروم. دست من را گرفته بود و چاقو را زیر گردنم گذاشته بود. مرا به سمت اتاق خواب می‌کشاند و آن‌جا بود که من به نیت پلید وی پی بردم و هرچه به او التماس کردم و او را قسم دادم گفت که من کسی را نمی‌شناسم و اگر حرفی بزنی تو را مانند دیگران می‌کنم. ششکجه و آزارم داد. درحالی‌که چاقو را زیر گردنم گذاشته بود تا جلوی در خروجی من را کتشد. می‌گفت اگر فریاد بزتم شاهرگم را می‌زند. شو که بودم، زانم بند آمده بود و تنها رفتنم را تماشا کردم و چند دقیقه بعد به خود آمدم و با گریه به سمت خانه همسایه‌ها دویدم.



عکس Gettyimages

نرخ جرائم جنسی یک به صد هزار نفر است زندگی مخدوش قربانیان تجاوز

اگر کمکی هم باشد باید از لحاظ روانی برای کودک صورت گیرد.»

وی در پایان اثرات سوء در پسرپچه‌هایی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند را بیشتر از دختران می‌داند و می‌گوید: «از لحاظ روانی کودکان معمولاً کودک در لاک خود فرو می‌رود، کمتر صحبت می‌کنند، ارتباطش را با دنیای پیرامونش کمتر می‌کند، بیشتر اوقات افرادی که کودک‌کان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌دهند، از نزدیکان کودک هستند و قربانی با آنها ارتباط عاطفی برقرار کرده است. بنابراین همین موضوع می‌تواند مسأله را پیچیده‌تر از قبل کند. تبعات این‌گونه تجاوزها برای کودکان مطمئناً دردناک‌تر است. به لحاظ

نبودن یا کم بودن فاصله بین قربانی و مجرم و این‌که دیگران احتمال وجود چنین مشکلی را نمی‌دهند، موضوع تکرار می‌شود و در نتیجه اثرات درازمدت و مخرب جبران‌ناپذیر بر روح و روان کودک باقی می‌گذارد، به‌طوری‌که حتی در صورت در مان‌های سیستماتیک و صحیح، چنین فردی وضع عادی پیدا نخواهد کرد.

او می‌گوید: در موارد مشابه همیشه خانواده‌ها مقصر صدرصدی نیستند. این خانواده‌ها در جامعه‌ای شکل گرفته‌اند که روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان قربانی دچار احساس شرم، تحقیر، گیجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس و احساس بی‌حرمتی می‌شوند. این احساسات ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند.

از سوی دیگر هر رودادی که تجاوز جنسی را در ذهن زنت تداعی کند یا او را به این فکر بیندازد که بسر زندگی خود کنترل ندارد، می‌تواند احساسات مخربی را در فرد برانگیزد. زین را در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می‌گیرد و حالت شوک و ترس پیدا می‌کند. بسیاری از زنان نتیجه‌مکن این احساس جنسی قرار می‌گیرند و حتی اگر بگویند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار نکنند، این اختلالات روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان قربانی دچار احساس شرم، تحقیر، گیجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس و احساس بی‌حرمتی می‌شوند. این احساسات ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند.

از سوی دیگر هر رودادی که تجاوز جنسی را در ذهن زنت تداعی کند یا او را به این فکر بیندازد که بسر زندگی خود کنترل ندارد، می‌تواند احساسات مخربی را در فرد برانگیزد. زین را در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می‌گیرد و حالت شوک و ترس پیدا می‌کند. بسیاری از زنان نتیجه‌مکن این احساس جنسی قرار می‌گیرند و حتی اگر بگویند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار نکنند، این اختلالات روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان قربانی دچار احساس شرم، تحقیر، گیجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس و احساس بی‌حرمتی می‌شوند. این احساسات ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند.

از سوی دیگر هر رودادی که تجاوز جنسی را در ذهن زنت تداعی کند یا او را به این فکر بیندازد که بسر زندگی خود کنترل ندارد، می‌تواند احساسات مخربی را در فرد برانگیزد. زین را در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می‌گیرد و حالت شوک و ترس پیدا می‌کند. بسیاری از زنان نتیجه‌مکن این احساس جنسی قرار می‌گیرند و حتی اگر بگویند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار نکنند، این اختلالات روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان قربانی دچار احساس شرم، تحقیر، گیجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس و احساس بی‌حرمتی می‌شوند. این احساسات ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند.

از سوی دیگر هر رودادی که تجاوز جنسی را در ذهن زنت تداعی کند یا او را به این فکر بیندازد که بسر زندگی خود کنترل ندارد، می‌تواند احساسات مخربی را در فرد برانگیزد. زین را در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می‌گیرد و حالت شوک و ترس پیدا می‌کند. بسیاری از زنان نتیجه‌مکن این احساس جنسی قرار می‌گیرند و حتی اگر بگویند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار نکنند، این اختلالات روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان قربانی دچار احساس شرم، تحقیر، گیجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس و احساس بی‌حرمتی می‌شوند. این احساسات ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند.

مکت

جزئیات مرگ «سمیه مهری» از زبان پدر

روزهای اسیدی خانه پدر بزرگ

چشم‌های سمیه مهری پس از ۴سال در آتش اسید خاموش شد.او که از سوی همسرش مورد اسیدپاشی قرار گرفته بود، بعد از مدت‌ها تحمل بیماری، به دلیل از کار افتادگی ربه بر اثر زخم‌های ناشی از اسید در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

خانواده مهری در بیمارستان افضل‌پور کرمان به دنبال آمبولانس بودند تا به استقبال مسافرشان بروند اما خبر تلخ مرگ دخترشان را از طریق پرستاران شنیدند و چه تلخ است این استقبال.

رضا مهری پدر سمیه که حالاامیدش ناامید شده است با چشم‌مانی پر از اشک و صدایی لرزان جزئیات اسیدپاشی دخترش را فاش کرد. او به ایسنا گفت: همسر سمیه به همراه برادر شوهرش نقشه‌های زیادی برای دخترم کشیدند تا او را نابود کنند و باید بگویم به هدف خودهم رسیدند.برادر شوهر دخترم قصد داشت تا با سمیه ازدواج کند. عباس شوهر سمیه باید دخترم را طلاق می‌داد تا نقشه‌شان عملی می‌شد.اما دخترم زیر بار نرفت و هرگز نخواست مهر طلاق روی شناسنامه‌اش حک شود.

چند روز از این ماجرا نگذشته بود که اسید کل بدن سمیه و رعنا دخترش را سوزاند. پس از این جنایت برادر شوهر سمیه دستگیر شد اما چه فایده‌او در حال حاضر آزادانه زندگی می‌کند و زندگی ما را به تباهی کشانده است.

پدر سمیه درحالی‌که با صدای بلند گریه می‌کند از اجرای قانسون درباره این دو جنایتکار بی‌رحم شاکری است و مدام زیر لب می‌گوید:اگر اسید روی تن دخترم پاشیده نمی‌شد، سمیه اکنون زنده بود.



رعنا و نازنین انتظار مادرشان را می‌کشند. هنوز نمی‌دانند که دیگر آغوش مادرش مرهم زخم‌های کهنه‌شان نیست. زخم‌های ماندگار رعنا و رنج‌های ویران‌کننده حالا با زخمی عمیق‌تر، بی‌مرهم مانده و باید درد اسیدی را در کنار درد بی‌مادری تاب بیاورد. پدربزرگ رعنا می‌گوید: عنا هرگز خود را در اینه ندیده است. دخترم همه آثارها را از خانه جمع کرده بود.اما حالا رعنا بی‌تاب مادرش است. بهانه می‌گیرد، آیینه می‌خواهد. می‌خواهد چهره سوخته‌اش را ببیند و بداند پدرش چه سرنوشت تلخی را برای او رقم زده است.

او حکم صادر شده درباره فرزندش را چشم در برابر چشم، گوش در برابر گوش و م باقی اعضا را دیده عنوان کرد و گفت: این حکم صادر شده بود امادیگر فایده‌ای ندارد.

آزیر

۹ اعدامی پای چوبه‌دار

درحالی صبح امروز یک محکوم به اعدام پای چوبه دار رفت که ۸ قاچاقچی موادمخدر از نوع شیشه در زندان مرکزی کرج روح دوشنبه اعدام شدند. پرونده زندگی این ۹ محکوم به مرگ که نتوانستند رضایت اولیای دم را جلب کنند برای همیشه بسته شد. توزیع کنندگان موادمخدر در کرج اعدام شدند. از فروشندگان کلان موادمخدر سطح استان البرز بودند که در لابراتوار تولید شیشه فعالیت داشتند. این افراد با تهیه مواد پیشاز تولید کنندنده کلان موادمخدر صنعتی از نوع شیشه بودند.از این افراد بیش از ۳کیلوگرم موادمخدر شیشه، هرویین و یک محموله ۲۶۸ کیلوگرمی دیگر از نوع حشیش در کرج کشف و ضبط شده بود.

این درحالی‌بود که مردی که ۲سال پیش در جریان جنایتی هولناک خلبان باسابقه ایران‌ایر و همسرش را در آپارتمان‌شان به قتل رسانده بود سحرگاه ۲۶ فروردین‌ماه پای چوبه دار رفت. این مرد شامگاه ۱۶ اسفند سال ۹۱، زن و شوهری جوان را در خانه‌شان به قتل رساند. کارآگاهان که به‌صورت شبانه‌روزی سرگرم رسیدگی به این پرونده بودند در ادامه به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد مردی به نام مرتضی در پشت پرده این جنایت قرار دارد. مظنون اصلی پرونده دستگیر شد. او تحت بازجویی‌های تخصصی قرار گرفت و مشخص شد این مرد قبل از حادثه با آگهی فروش خودروی مرد خلبان روبه‌رو شده است و تصمیم گرفت به بهانه خرید خودرو سراغ او برود و از خانه‌اش سرقت کند.اما در جریان سرقت خلبان و همسرش را به قتل می‌رساند.

در جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و متهم را به ۲مرتبه قصاص محکوم کردند. به این ترتیب مرتضی در پرونده‌ای جداگانه که مرتکب قتل شده بود سحرگاه ۲۶ فروردین ماه در سالن اجرای احکام زندان رجایی شهر کرج پای چوبه دار رفت.